

زندانی سیاسی بودن در رژیم ظلم و استبداد «ولایت فقیه» افتخاری است!

«ولی فقیه»، به روشنی نقش بسیار فعال و سنگینی را در این عرصه بر عهده گرفته است. خامنه‌ای در آستانه ۱۸ تیرماه، سالروز پورش و حشیانه مذدوران «ولی فقیه» به داشتگاه‌ها، در حمایت از قوه قضائیه و توقيف روزنامه‌های اصلاح طلب و بازداشت شمار زیاد از روزنامه‌نگاران دگراندیش از جمله گفت: «هدف از جنجال آفرینی‌ها، شکست اقتدار و صلابت قوه قضائیه و ارعاب مسئولان این قوه به منظور سلب قدرت اقدام دستگاه قضائی و تسلیم شدن در مقابل خواست آنان است...».

خامنه‌ای پس از این موضع گیری، در اظهار نظرهای

در صفحه ۳

رشد و گسترش جنبش دموکراتیک و آزادی خواهانه مردم میهن ما بر ضد رژیم واپس گرا و ضد مردمی «ولایت فقیه»، سران درجه اول رژیم، و در رأس آنان، سید علی خامنه‌ای را ساخت به هراس افکنده است. در ماه‌های اخیر، همراه با گسترش و اوج گیری جنبش مردمی، خصوصاً کارگران، زحمتکشان، جوانان، دانشجویان و زنان مبارز، و نیز ترفس شکاف در درون و پیرامون حاکمیت، مسئولان ریز و درشت حکومتی با توصل به روش‌های گوناگون، از جمله تهدید، ارعاب، جو سازی، تخریب و دروغ پردازی به مقابله با این مبارزات برخاسته اند. در این میان، در ماه‌های اخیر، سید علی خامنه‌ای،



شماره ۵۹۶، دوره هشتم
سال هفدهم، ۱۳۷۹ آبان ۲۴

بحثی درباره برشی ویژگی‌های سرمایه‌داری
در هزاره سوم، در صفحات ۴ و ۵

زمینکشان و انتخابات ریاست جمهوری
آمریکا در صفحه ۸

محاکمه اندیشه‌های متفرقی زیر لوای
دفاع از زنان

روز شنبه ۲۱ آبان، روزنامه «همشهری»، خبر دیدار اعضای کمیسیون اصل ۹۰ مجلس با زندانیان سیاسی و مطبوعاتی را چاپ کرد که در آن اعضا این گروه، طی دیداری با اشکوری از وضعیت او اگاهی پیدا کردند. در این دیدار اشکوری با اشاره به یکی از موارد اتهامی، مبنی بر رد حجاب از طرف او گفت: «در دادگاه برده روزنامه سال ۵۸ را که در آن آیت الله طالقانی و فردای آن آیت الله خمینی گفته اند که حجاب امری اختیاری است را به دادگاه دادم». در گزارش دیگر که «ایران»، در تاریخ ۱۵ آبان از جریان محاکمه شرکت کنندگان در کفارناس برلین مخابره کرد، است، یکی از اتهامات خانم شهلا شرکت که از قول شریفی به عنوان نماینده مدعی العموم قرائت شد، رد کردن حجاب اسلامی از طرف اور در جریان سخنرانی اش بوده است. مسأله‌ی که در اینجا سعی می‌شود با استفاده ماهراه از آن عده ای را به زندان و حبس‌های طولی المدت محکوم کرد، همانا مقدس کردن یک روش ارتقای به عنوان اصل اسلامی و آن هم زیر چتر حمایت از زنان است. برای باز کردن این مبحث و روش های ریاکارانه ذوب شدگان در ولایت، تأمل بر روی بخشنامه اخیر قوه قضائیه بی‌فایده نیست. روزنامه «حیات نو»، پنجشنبه ۱۹ آبان، متن این بخشنامه را به شرح زیر به چاپ رسانده است: «مردانی که به جرم قتل زن، محکوم به قصاص گردیده اند لیکن به جهت نپرداختن تقاضل دیه از سوی اولیای دم مقتوله، در زندان مانده اند، مشمول بند ۲ بخشنامه مورخ ۷۸/۱۰/۲۵ می باشند و در باره آنان در همان بخشنامه، تعیین تکلیف گردیده است.» هر چند اطلاعی از چند و چون بخشنامه فوق الذکر در حال حاضر

ادامه در صفحه ۲

امام جمعه، فرماندهان سپاه پاسداران و بسیج،
صدای سیمای ارتعاج و انصار «ولی فقیه»،
مسئولان یورش به اردوانی دفتر تحکیم وحدت

عده ای در حسینیه حیب بن مظاہر تجمع و آقای محمدی مستثول دفتر نایابندگی سپاه لرستان ضمن سخنرانی تعطیل اجلاس و پیروزی مخالفان اجلاس را به جمع حاضر تبریک می‌گوید. از ساعت ۶ بعد ظهر در گیری هایی در نقاط مختلف شروع می‌گردد ... اتوبوس حامل گروهی از دانشجویان در حال بازگشت به اهواز در اطراف پلدختر در محلی به نام «تنگه فنی» مورد حمله قرار می‌گیرد. دو اتوبوس متعلق به گروه دیگری نیز در راه بازگشت به مشهد در مدخل شهر بروجرد مورد حمله شدیدی قرار می‌گیرند. در این حادثه دانشجویان شدیداً در معرض ضرب و شتم و تحقیر قرار می‌گیرند. در ادامه همین گزارش ضمن انتقاد به عملکرد شورای امنیت وی توجهی آن از جمله به نقش چاقو کشان «ذوب در ولایت» که مستقیم وغیر مستقیم دستورات خود را از دفتر «رهبری» دریافت می‌کند، شترک داشتند. گزارش از جمله مذکور می‌شود که: «امام جمعه محترم در خطبه های نماز جمعه با ذکر مخالفت خود با برگزاری اجلاس گیری شیوه های غیر قانونی و سوء استفاده از ابزار قدرت برای حل مذاکرات سیاسی می‌داند.» (همانجا). و نتیجه اینکه هیئت مجلس شورای اسلامی: «ریشه اصلی بروز بحران را در به کار گیری شیوه های غیر قانونی و سوء استفاده از ابزار قدرت برای حل مذاکرات سیاسی می‌داند.»

البته گزارش مجلس شورای اسلامی، ضمن روش کردن گوشه هایی از ابعاد جنایت لرستان جای منافقین نیست» صحبت های ایشان را تأیید می نمایند...» (ایران، ۲۳ آبان ۱۳۷۹).

ادامه در صفحه ۶

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی، و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

گزارش سپس درباره نقش مسئولان سپاه در این زمینه اضافه می کند: «۵ بعد از ظهر

ادامه محکمه اندیشه های متفرقی زیر ...

نظر ما از مسائل روز و مبتلا به جامعه است و مشکلات قوه قضاییه، شفاف و صریح سخن گفتیم، ایشان هم صحبت های خوبی کردند و توشیختانه با بسیاری از نظرات ما همراه بود «وی در جایی دیگر اظهار داشت: «البته تقاضا دیدگاه های هم درخصوص مسائل مطرح شده وجود داشت، اما تداوم گفتگوها می تواند مشترم و تنتیجه بخش باشد.» از دیگر موضوعات مورد گفتگو، کبود قوانین و نقص در قوانین بوده است که، از قوه قضاییه خواسته شده، با کارشناسان و متخصصان این قوه تبادل نظر شود تا موارد مورد اشکال را برطرف کرده و موارد نیاز به اصلاح و تغییر را به مجلس ابلاغ کنند تا مجلس در این مورد اقدام کند. خاتمی با ابراز تشکر از رئیس قوه قضاییه برای صدور یک بخشنامه درخصوص برخورد مناسب و قانونی با متهمنان، اظهار امیدواری کرد که در پی این بخشنامه برخورد با متهمنان بویژه سیاسی که با قرارهای سنگین روبرو هستند یا مدت های طولانی در سلول های انفرادی بسی بزرند، تغییر کند. وی از قول هاشمی شاهرودی گفت که، شاید بیش از صد بخشنامه از این نوع تاکنون صادر شده که خود او هم از عمل نشدن به آنها گلایه داشته است. دیگر کل جبهه مشارکت افزود: «انتظار داریم این کارها به تنتیجه برسد. آنچه که مهم است تغییرات عملی در قوه قضاییه است و امیدواریم بتوانیم با این گفتگوها که انجام می گیرد ما هم بتوانیم به معنی واقعی کلمه کمک تا اصلاحات در قوه قضاییه تحقق پیدا کند.» علاوه بر این سخنان، روزنامه «حیات نو»، پینجنبه ۱۶ آبان، در مقاله ای که در ستون «سخن گاه»، آن روزنامه به چاپ رسیده، به مسئله کشمکش های مجلس و شورای نگهبان پرداخته و در آن حل این مشکل را در دست مجمع تشخیص مصلحت می داند. توصیه مقاله، ضمن تشریح نقش این مجمع در فرآیند عبور سالم از تند پیچ های سیاسی و ایجاد همگرایی و فاق میان نخبگان کشور، با اشاره به رفسنجانی می نویسد: «با وجودی که اعضای مجمع تشخیص مصلحت از افراد طیف ها، نهادها و جناح های مختلف کشور منصوب شده اند و عملکرد آن نیز نوعی تضمیم گیری شورایی است، اما در هر حال، نمی توان در جهت گیری های این مجمع از وزن تعیین کننده آقای هاشمی رفسنجانی به سادگی گذشت.» ادامه مقاله بسیار واضح و روشن است، دفاع از رفسنجانی، رفع کدورت میان او و جبهه دوم خردبار برای پیشبرد برنامه های «اصلاحی»، که رفسنجانی را هم «همدل و همسو» ای آن

آرامش «فعال» و چانه زنی در بالا

به گزارش روزنامه «اطلاعات بین المللی»، جمعه ۲۰ آبان، اعضای جبهه مشارکت دیداری با شاهرودی رئیس قوه قضاییه داشته اند. محمد رضا خاتمی در مورد این دیدار گفت: «با آیت الله شاهرودی در باره مسائل قضایی که به

بدهی های دولت به این بخش ها می باشد. کهرم، نماینده اهواز در مجلس نیز در این باره به ایسنا گفت: «عکس العمل وزیر نفت مبنی بر متوقف کردن و اگذاری شرکت ملی حفاری ایران، عملی مشتب بود. دلیل این دستور، ارزیابی هایی بود که نماینده گان وزارت نفت از منطقه انجام دادند و آنان به این نتیجه رسیدند که در حال حاضر حداقل شرایط و اگذاری وجود ندارد و کار باید کارشناسی شود.» وی با این این که اسکلت اصلی شرکت ملی حفاری باقی خواهد ماند و تها بخش های زائد ممکن است و اگذار شود، درخصوص نیروی شاغل در این بخش ها، گفت: «با انتقال بخش های محدودی از شرکت ملی حفاری به سازمان بازنشستگی وزارت نفت، تغییری در شرایط استخدامی نیروهای شاغل در این شرکت نیز به وجود نخواهد آمد.» با اینکه از اعتراضات یکپارچه و مهم کارگران شرکت ملی حفاری نفت، مدتی زیاد نمی گذرد، مستوان و دست اندک کاران مربوط در این مسئله، بار دیگر زمزمه و اگذاری «بخش هایی» از این شرکت را آغاز کرده اند. اجتماع دیگر که قرار است در نیشابور از طرف کارگران و زحمتکشان برضد و اگذاری بیمارستان کارگران، و اگذار شود، با مورد شرکت ملی حفاری نفت ایران و ده ها مورد دیگر از این نمونه ها شاهد کامل دارد. چنانچه کارگران خود دخالت مستقیم داشته باشند، عقب نشینی به سرعت صورت می گیرد و پیروزی نصیب زحمتکشان خواهد گردید. اما ستوالی که مطرح است این است که حفظ چنین دستاوردهایی به چه صورت امکان پذیر است. از عقب نشینی هراسناک حکومتیان در برابر زحمتکشان شرکت ملی حفاری نفت، مدت زیادی نمی گذرد که، تعریض به منافع آنان در شکل جدید آغاز گردیده است. با اینکه به دفاتر در مورد سازمان دهنده این نشانه شده است و ضرورت آن تقریباً بر هیچ کس پوشیده نیست، اما نکته مهمی که به آن توجه کافی نمی شود کم اهمیت دادن به مسائل کارگری چه داخل و چه در خارج از کشور است. اگر این مسئله در داخل کشور با توجه به ماهیت نیروهای فعال در عرصه سیاسی کشور، تا حدی قابل توجیه می باشد، اما در خارج از کشور و بخصوص در میان نیروهای چپ و طرفدار سوسیالیسم، این نکته به اندازه واقعی شود مورد توجه قرار نگرفته است. در این زمینه، به جز چند حزب سیاسی محدود و از جمله حزب توده ایران که فعلانه مسائل کارگری را دنبال و در نشیرات خود درج می کنند، اکثرها به این مسئله توجه کافی نشان نداده اند. امروز، تبلیغات و حمایت از حرکت های کارگری با بر جاسته کردن آن در نشیرات متعلق به هر گروه سیاسی، و بازتاب هر چه بیشتر آن در محافل سیاسی، به نحوی که تاییرات آن در داخل ایران هم مورد توجه قرار گیرد، کمک ارزشمند ای است که در نهایت به پیشرفت جنبشی کمک می کند که، بر شانه های پیکارجو ترین طبقه اجتماعی جامعه استوار می باشد. این ضرورتی است که هر گروه سیاسی طرفدار آزادی و دموکراسی در ایران، باید اهمیت آن را به خوبی درک کند. بی اهمیتی به مسائل کارگری، جنبش را از خط دستبردهای سرکوب گرانه مرجتعان حاکم، مصنون نگه نمی دارد.

نیروهای متفرقی و ضرورت توجه به مسائل جنبش کارگری

به گزارش ایسنا، جمعه ۲۰ آبان، کارگران و زحمتکشان نیشابوری، در اعتراض به و اگذاری بیمارستان تامین اجتماعی این شهرستان به وزارت بهداشت و درمان، در مقابل فرمانداری این شهرستان تجمع می کنند. به گفته مسئول خانه کارگر نیشابور، با وجود این که پیش از این نیز نماینده گان کارگران نیشابور به سازمان تامین اجتماعی در مورد و اگذاری بیمارستان، هشدار داده بودند، این سازمان به خواسته های بحق ۳ هزار کارگر بیمه شده شهرستان و ۱۵ هزار شهروند تحت پوشش آنان، وقوع نگذارده و کارگران به این نتیجه رسیده اند که باید از اجتماع به عنوان یک شیوه قانونی برای بیان اعتراضات، استفاده کنند. همین خبرگزاری در روز یکشنبه ۱۵ آبان، به نقل از بیان زنگنه، وزیر نفت در مورد و اگذاری شرکت ملی حفاری نفت که با اعتراض گسترده کارگران مواجه گردید و رژیم را وادر به عقب نشینی کرد، نوشت که، ملاک و معیار وزارت نفت در و اگذاری شرکت های تابعه به بخش خصوصی، قانون است، البته و اگذاری شرکت های نفتی به تامین اجتماعی و صندوق های بازنشستگی، خصوصی سازی نیست، بلکه به دلیل

ادامه زندانی سیاسی بودن در رژیم

مشابه، همواره به شکلی قاطع از ارگان‌های سرکوب و ترور، همچون وزارت اطلاعات، سپاه، بسیج و گروه‌های غیررسمی «حزب الله» و «انصار حزب الله»، دفاع کرد، و با متهم کردن مدافعان اصلاحات و آزادی به «آمریکایی بودن»، «ضد انقلاب بودن»، و اتهامات دیگر، جای تردیدی، حتی برای خوش باورترین افراد جناح مقاوم درباره عملکرد «فرا جناحی ولی فقیه» باقی نگذاشت. سید علی خامنه‌ای در یکی از آخرین سخنرانی‌های خود، در دیدار با عده‌ی از دانشجویان، دانش آموزان و پاسداران، با اعتراف ضمنی به تشدید کارزار دفاع از زندانیان سیاسی در درون و بیرون از کشور از جمله اظهار کرد: « مجرم شناخته شدن در نظام اسلامی اگر با توهه و اصلاح و رفع ایهام جiran نشود لکه تنگی ابدی است و طرفداری از کسانی که بر اساس قوانین به دلیل همراهی زبانی و عملی با دشمن برای متزلزل کردن ایمان و وحدت و اعتماد به نفس ملت مجرم شناخته می‌شوند، بدترین کارهast...».

این اظهار نظر خامنه‌ای روشنگر مواضع عمیقاً اجتماعی و ضد مردمی او به عنوان یکی از مهره‌های اصلی رژیم استبدادی در میهن ماست. از دید «ولی فقیه» رژیم ارتجاع، یورش مزدوران مسلح به کوی دانشگاه و ضرب و شتم و کشتن دانشجویان و یا اعزام چند نفر از «برادران» صد در صد «مسلمان» و معتقد به «ذوب در ولایت» و چاقو کش برای به قتل رساندن پروانه و داریوش پروهرا لابد «اجر اخروی» هم دارد ولی دفاع از زندانیان سیاسی که به دلیل دفاع از حقوق مردم به شکنجه گاه ها کشیده شده اند «بدترین کارهast». طرح این چنین مواضعی از سوی خامنه‌ای در حالی که شماری از روشکران و مدافعان روند اصلاحات به اتهام واهی و سرهم بنده شده «اقدام علیه امنیت ملی» محاکمه می‌شوند، تها به سبب شرکت در یک کفرانس، در عین حال بورشی تبلیغاتی از سوی «ولی فقیه» برای تهدید نیروهای مردمی، از جمله جنبش دانشجویی کشور برای به سکوت کشاندن آنها در برابر این بی عدالتی هاست.

در عین حال باید متذکر شد که، این موضع گیری‌ها نمی‌تواند بی ارتباط با رشد مبارزات مردمی و طرح وسیع مسأله زندانیان سیاسی در میهن ما باشد. در ماه‌های اخیر، به راه اندختن بیدادگاه‌های فرمایشی، خصوصاً محاکمه‌ی یوسفی اشکوری، چهره فعال ملی - مذهبی در دادگاه ویژه روحانیت، و طرح اتهام «ارتداد» و «مفاسد فی الارض» درباره او، موج تازه‌ای از تفرقه و انتزجار نسبت به عملکرد ظالمانه دستگاه‌های قضایی رژیم را در جامعه دامن زد و مسئله ضرورت برخورد جدی با این دستگاه «قانونی» سرکوب و دفاع از حقوق زندانیان سیاسی را، که شمار آنها بار دیگر برسرعت روبه افزایش است، مطرح ساخت. حضور شماری از خانواده‌های روزنامه نگاران زندانی در صحن مجلس شورای اسلامی و برسی شکایت زندانیان سیاسی در مجلس توسط کیمیون اصل ۹۰ قانون اساسی، در کنار بسط و گسترش اعتراض‌های دانشجویی و جوانان بر ضد این اقدامات گواه روشی بر این واقعیت است.

امروز در میهن ما دادگاه افکار عمومی میلیون‌ها نفر از شهروندان به عنوان عالی ترین مرجع اظهار نظر درباره ماهیت شخصیت‌ها و نیروهای سیاسی به صورت مستقل عمل می‌کند و قضاوت خود را با قاطعیت تمام اعلام می‌کند. در این دادگاه، کسانی که مجرم و محکوم شناخته شده اند، «ولی فقیه»، رفسنجانی‌ها، جنتی‌ها، مصباح یزدی‌ها و همه مرتجلانی هستند که در پیست سال گذشته با کتول همه اهرم‌های قدرت فاجعه سنگینی را به میهن ما تحمیل کرده اند. در این دادگاه کسانی محکومند که با خیانت به آرامان‌های انقلاب، آزادی را قربانی کردن و حقوق میلیون‌ها ایرانی را به بهانه «اسلام» و «شرع مقدس» لگد مال کرده اند. برخلاف نظر «ولی فقیه» و انصارش، در نزد افکار عمومی میلیون‌ها ایرانی مجرم سیاسی شناخته شدن در بیدادگاه‌های رژیم نه تنها جرمی نیست که افتخاری است شایسته قدری خلق. بیهوده نیست که شماری از نزدیکان و خویشان زندانیان سیاسی کنونی تها به دلیل همین قرابت و نزدیکی در انتخابات مجلس شورای اسلامی میلیون‌ها رأی آورند و نزدیکان «ولی فقیه» به مقتضاهانه ترین شکل ممکن حتی با تقلب نیز توانستند انتخاب شوند. این وضع نه تنها در رژیم «ولی فقیه» که در دوران حکومت پوسیده و باسته پهلوی نیز چنین بود. با پیروزی انقلاب، هزاران زندانی سیاسی برداش خلی از زندانها آزاد شدند و نام آوازه آنان به عنوان قهرمانان راه آزادی در گوش و کنار کشور پیچید.

فعالیت سیاسی در راه پیروزی، بهروزی و سعادت مردم و بازداشت و محکومیت توسط دستگاه بیداد جمهوری اسلامی نه تنها جرمی نیست بلکه لگه تنگی است بر پیشانی «نظامی» که خود را «نظام نمونه» جهان معرفی می‌کند. مردم میهن ما فرزندان رشید خود را که اکنون در زندان‌های رژیم زندانی سیاسی اند، عمیقاً دوست دارند و به آنان احترام می‌گذارند. ننگ و نفرت تاریخ از آن کسانی است که امروز با در دست داشتن بر اهم‌های اساسی قدرت، ایران را به زندان بزرگی برای ایرانیان تبدیل کرده اند. این است حکم تاریخ.

ادامه زحمتکشان و انتخابات آمریکا ...

زنان، مخالفت با مجازات اعدام، جدایی مذهب از دولت، مخالفت با فشار به اتحادیه‌های کارگری و نهایتاً سیستم برگماری قضات و رئیس دیوان عالی کشور، که نفوذی ویژه در سیستم آمریکایی دارد، خلاصه کرد. زحمتکشان آمریکا می‌دانند که دو حزب مسلط بر سیستم سیاسی کشور، حزب دموکرات و حزب جمهوری خواه، هر دو احزاب بورژوازی و نمایندگان سرمایه داران و اصحاب راهی بین الملل اند، ولی در برخی از عرصه‌ها در مواضع آنها اختلافاتی قابل مشاهده است، در حالی که حزب جمهوری خواه در بست و یکپارچه نمایندگی اصحاب راه و مرتمع ترین بخش امپرالیستها را بر عهده دارد، مواضع سیاسی و اجتماعی حزب دموکرات در طیف میانه و راست در نوسان است. کاندیدای حزب جمهوری خواه برای ریاست جمهوری که در حال حاضر فرماندار ایالت تکراس است، از ابتدای سال ۲۰۰۰ تا کنون، حکم اعدام بیش از ۴۵ نفر را صادر کرده است. به قول امیر باراک، شاعر آمریکایی، «جورج بوش، قاتل درجه یک سراسر آمریکا است.» ال‌اگر، کاندیدای حزب دموکرات، در برنامه انتخاباتی خود بالا بردن حداقل حقوق کارگران و شرکت وسیع تر مردم زحمتکش و اتحادیه‌های کارگری را در انتخابات مورده توجه قرار داده است. مخالفت جورج بوش به بالا بردن حداقل دستمزد کارگران، سپردن بخشی از منابع صندوق بازنشستگی به بخش خصوصی و وال استریت، بالا بردن سن بازنشستگی از ۶۲ سال، و در مرحله ای افزایش آن به ۶۷ سال، مخالفت با برقراری بیمه درمانی سراسری برای مردم و حفظ شرایط بیمه ای موجود (بیش از ۴۰ میلیون زحمتکش آمریکایی بیمه درمانی ندارند)، مخالفت با انعقاد قرارداد‌های دستگjmی بین اتحادیه‌های کارگری و کارفرمایان و دشوارتر کردن قوانین حاکم بر تشکیل کارگران در اتحادیه‌های کارگری از جمله موارد تمايز میان برنامه‌های کاندیداهای دو حزب عمدۀ آمریکا است.

حزب کمونیست آمریکا، با درک روش مستقل و مترقبی را به وجود بیاورد. رفیق جارویس، معاون صدر حزب کمونیست آمریکا، در تحلیل از سیاست- اجتماعی در آمریکا و نیروهای موجود در صحنه، بامدادی فعل از تشکیل اتحاد های وسیع مردمی، به رهبری کارگران و زحمتکشان، به موازات حفظ استقلال سیاسی خود، فعالانه در انتخابات شرکت کرد. به تحلیل حزب برادر، چنین اتحاد های مردمی که زحمتکشان در آن سهیمند قادر خواهد بود اصحاب طلبی‌های دو حزب مسلط موجود را متزلزل کند و از بین برد و زمینه پایه گذاری و تثبیت یک حزب مستقل و مترقبی را به وجود بیاورد.

رفیق جارویس، معاون صدر حزب کمونیست آمریکا، در تحلیل از وضعیت موجود و انتخابات این دوره در نشریه ارگان حزب برادر نوشت: «حزب کمونیست آمریکا با آگاهی کامل و واقع بینانه در انتخابات شرکت می‌کند. بعد از پیان انتخابات مبارزه متحده برای صلح، برابری و عدالت ادامه خواهد یافت. اهمیت این دوره انتخابات به لحاظ دفاع از حقوق مردم به میزان پذیر نیست. این میازمه می‌تواند بدون آن، استقلال واقعی و سوسيالیسم امکان پذیر نباشد.» به موقیت بررس و نتیجتاً منافع مردم به سطح بالاتری ارتقاء پیدا کند.»

ادامه آرامش «فعال» و چانه زنی در بالا

کرده است. با نگاهی به حوادث همین یک هفته اخیر ایران، دیگر بر هیچ کس ماهیت قوه قضاییه رژیم ولاست فقیه، به عنوان ابزاری که در خط مقدم، سرکوب آزاد اندیشان قرار دارد، پوشیده نیست. با نگاهی به محاکمات شرکت کنندگان در کفرانس برلین، «کمبود قوانین» در قوه قضاییه کاملاً مشاهده می‌شود. هنگامی که پس از بازگشت شرکت کنندگان کفرانس برلین به ایران و دستگیری آنها، بعد از مدتی خانه‌های تمايم آنها مورد بازجویی و بازرسی قرار گرفت، مهندس سخابی در این مورد گفت که، چون از بازرسی‌ها چیزی به دست نیاوردند، حالا به دنبال این هستند که از طریق دیگر مدرک پیدا کنند. با نگاهی به موارد اتهامی که توسط «معدی العلوم» رژیم ولاست فقیه در دادگاه ایراد شد و در آن اخزید و فروش ده ها قیمه اسلحه و اعلامیه گروه های مترقبی در خارج از کشور در مازل دستگر شدگان صحبت شد، برنامه ریزی دقیق این قوه و دیگر ارگان های سرکوب را برای مثله کردن اصلاحات به خوبی نشان می‌دهد. اینجا دیگر صحبت بر سر نقص قوانین نیست، به صورت کاملاً آشکار و روشن با پرونده سازی برای دیگران قصد دارند با ربط دادن آن به قوانین

ادامه در صفحه ۶

آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران!

بحثی درباره بُرخی ویژگی های سرمایه داری در هزاره سوم، تمرکز سرمایه و ادغام انحصارات فراملی

سرمایه کلان صورت الزامی به خود می گیرد. به بیان روشن تر، تمرکز سرمایه، ادغام و پیوستن داوطبلانه سرمایه های کوچک و یا ادغام و پیوستن قهری سرمایه ها، یعنی بلعیده شدن توسط سرمایه های بزرگ تراست. مارکس، در جلد اول کتاب سرمایه، در این باره چنین توضیح داده است: «اینجا دیگر سخن بر سر گردآمی ساده از وسائل تولید و فرمانروایی بر کار که همان خود انباشت است، نیست. اینجا صحبت از تجمع سرمایه هایی است که قبل تشكیل یافته اند، سخن بر سر حذف استقلال افرادی آنها، خلخال ید سرمایه دار به وسیله سرمایه دار و تبدیل سرمایه داران کوچک بسیار به عده کمی سرمایه دار بزرگ است.» (۲) و در ادامه این توضیح، اضافه می کند: «سرمایه از آن جهت می تواند در جایی به مقادیر عظیم در یک دست گرد آید که در جای دیگر از دست های منفرد بسیاری بیرون کشیده شده است... تمرکز از آن جهت که به سرمایه داران صنعتی امکان می دهد تا بر عرض و طول عملیات خود بیاندازند مکمل انباشت محاسب می شود... آن توهه های سرمایه بی که در نتیجه تمرکز ناگهان به هم سوده می شوند عیناً مانند سرمایه های دیگر، متنها سمعتر از آنها، تجدید تولید می کنند و افزایش می یابند، ولذا به نوبه خود تبدیل به اهرم های نیرومند تازه ای برای انباشت اجتماعی می گرددن.» (۳) مارکس، همچنین در جلد اول سرمایه، ضمن تشریح شکل گیری روند تمرکز، با به کار گیری اسلوب دیالکتیک در بررسی پدیده ها، به این پرسش که، سرمایه های کلان و عظیم که منطق تکامل سرمایه داری پیدایش آنها را ضرور ساخته از کجا و چگونه پدید می آیند، پاسخ می دهد و معتقد است که، هر چه اضافه ارزش که در اختیار سرمایه قرار دارد پیشتر باشد، امکان برای انباشت سرمایه پیشتر خواهد بود. هر قدر سرمایه بزرگ تر باشد عمل concentration (انباشت، تجمع) آن پیشتر بوده و طبیعتاً به روند انباشت و ایجاد سرمایه نوین بدل می گردد، این سرمایه سپس در بازار رقابت طبق منطق شیوه تولید سرمایه داری، تمرکز یافته و عمل ارتباطات کامپوتوری - اینترنت، به یک بازار بسیار عظیم اقتصادی دست پیدا کند.

مارکس می نویسد: «رقابت و اعتبار نیز که نیرومندترین اهرم تمرکز هستند پیشرفت می کنند. موافقی با این جریان، پیشرفت انباشت موجب افزایش مصالح تمرکز پذیر یعنی سرمایه های افرادی می گردد و در همان حال توسعه تولید سرمایه داری از یک طرف و نیازمندی های اجتماعی از سوی دیگر وسایل لازم را برای ایجاد آن چنان بنگاه های صنعتی نیرومند به وجود می آورد که بکار انداختن آنها خود مستلزم تمرکز قبلي سرمایه است.» (۴)

با آنچه مورد اشاره قرار گرفت، روشن می گردد که، روند شتابان تمرکز سرمایه به چه دلیل است، و نیز این مهم باید مورد توجه قرار گیرد که، اصولاً پدیده تمرکز سرمایه و انحصاری شدن بیش از پیش آن به وسیله ادغام موسسات بزرگ، امری تازه و برای مارکسیست ها غافلگیر کننده نیست. آمار نشان می دهد که، شتاب بی سابقه ادغام انحصارات در دوران کوتني - با توجه به تغییرات ناشی از اقلاب علمی و فنی در دهه ۷۰ میلادی - قابل پیش بینی و ارزیابی بوده است. طی سال های دهه ۷۰ میلادی، انباشت سرمایه به طور اساسی از راه ادغام و پیوستن قهری یا مسالمت آمیز موسسات و انحصارات، انجام پذیرفته است. در اوخر همین دهه، پژوهش گران مارکسیست توجه خود را به پدیده بی نوین در اشکال و شیوه های سلطه انحصارات و آغاز روند شتاب گیرنده تمرکز سرمایه معطوف داشتند. تبدیل کپانی های عظیم به مجتمع های چند رشته ای، آن پدیده نوینی بود که در آغاز سده بیست وجود نداشت، و روند کوتني ادغام انحصارات فرامالی و در هم آمیزی شرکت های عظیم، برای تسلط بر جهان، در آغاز سده نویشه در آن سال ها دارد. توجه به تغییراتی که در سال های پایانی دهه ۷۰ در رون سرمایه داری رخ داد، برای درک روابط امروزی سرمایه داری ضروری تام دارد. پدیده تشکیل انحصارات فعل در چندین رشته را، در آن سالیان را پژوهش گران مارکسیست چنین ارزیابی کردند: «در طول بیش از پنجاه سالی که از انتشار اثر لین، اپریالیسم به مثابه بالاترین مرحله سرمایه داری، می گذرد، در اشکال و شیوه های سلطه انحصارها تغییرات قابل ملاحظه ای صورت گرفته است... نین در آغاز قرن حاضر خاطر نشان ساخت که مجتمع های تولیدی بی که عظمت آنها ناشی از ادغام رشته های مختلف است به طور عمدۀ صنایع سنگین را در بر گرفته اند. ولی اکون این مجتمع ها در همه رشته های تولیدی مشاهده می شوند. همراه با پیدایش

جهان، در سال های پایانی دهه نود میلادی و آغاز سده بیست و یکم، شاهد روند پر شتاب تمرکز سرمایه و پدیده ادغام انحصارات فراملی است. سازمان ملل متعدد، در گزارشی به سال ۱۹۹۸ میلادی، در این باره خاطر نشان می سازد که، از آغاز دهه نود تا پایان سال ۱۹۹۷، تمرکز سرمایه و ادغام شرکت ها و موسسات بزرگ، چهار برابر افزایش نشان می دهد. بنا به این گزارش، تمرکز سرمایه در سال ۱۹۹۱، در رشته صنایع ۵۵ درصد، خدمات ۴۱ درصد و سایز رشته ها ۴ درصد بود، که در سال ۱۹۹۷، به ترتیب به ۳۴، ۵۹، ۵۹ درصد و ۹ درصد رسید. کارشناسان سازمان ملل در عین حال اعلام داشته اند که، هنوز آمار دقیق از روند تمرکز سرمایه گردآوری نشده و این امر مستلزم یک پژوهش همه جانبه است! روند رو به گسترش و شتابان، تمرکز سرمایه و ادغام شرکت ها و موسسات بزرگ، ناشی از تغییر و تحولات زرف در درون نظام سرمایه داری است. سرمایه داری معاصر اینک با سیمایی دیگر گون شده مشخص می شود و دارای ویژگی هایی است که در سده نوزدهم و سال های ابتدایی و میانی سده بیست فاقد آن بود. بی شک، پس از انقلاب صنعتی و تحولات ناشی از آن، انقلاب در عرصه فن آوری های نوین به ویژه، اقلاب انفورماتیک و بیوتکنولوژی، افق های جدیدی را در برابر بشریت گشوده اند و تغییرات گسترده ای را سبب شده و خواهند شد. به طور مثال تا چندی پیش داشتمدنان تها بر پیشرفت های شگفت انگیز انفورماتیک تکمیل می گردند. اینک بیو تکنولوژی، که دانش ایجاد تغییرات ژنتیک نامیده می شود، در مرکز توجه قرار گرفته است، زیرا این دانش تمام عرصه های مهم، از جمله کشاورزی، بهداشت، صنایع نساجی و شیمی و داروسازی، متابع ارزی و محیط زیست را در بر می گیرد. به علاوه در همین مدت کوتاه، بیوتکنولوژی توانسته است در کار شbek ارتباطات کامپوتوری - اینترنت، به یک بازار بسیار عظیم اقتصادی دست پیدا کند. این سیمایی دیگر گون شده و مختصات نوین در نظام سرمایه داری، به یکباره، یعنی آن گونه که اندیشه پردازان مدافعان نظام تبلیغ می کنند، پدید نشده است. در این زمینه پژوهش گران مارکسیست، به ویژه در دوران پیش از فربوشی اتحاد شوروی، بررسی های قابل توجه را انجام دادند و مطالی را بیان کرده اند که هم اینک نیز می توان سیمایی دیگر گون سرمایه داری را در اینبوهه پدیده های نوین بخوبی تشخیص داد. در دوران کوتني، یکی از ویژگی های بارز سرمایه داری تمرکز شتابان سرمایه و ادغام انحصارات است. از دیدگاه مارکسیسم، تمرکز سرمایه با هدف انباشت مورد اشاره قرار گرفت، روشن می گردد که، روند شتابان تمرکز سرمایه به برای دست یافتن به سود بیشتر بهره گرفته است. آنچه اکنون در آغاز هزاره سوم جنبه نو و تازه دارد، سرعت و شتاب خیره کننده روند تمرکز و ادغام انحصارات است. مارکس و انگلیس، و سپس لینین، در بررسی های علمی در عرصه اقتصادی، توجهی خاص و دقیق به پدیده تمرکز سرمایه، منشاء و علل آن و نیز پیامدهای ناشی از این روند معطوف داشته اند و توضیح روشن ارائه کرده اند.

مارکس، در پژوهش های خود داشن اقتصاد و به ویژه در اثر جاوده انش سرمایه به وضوح و با دقیقی شایان تحسین روند تمرکز سرمایه و شکل گیری آن را مورد بحث قرار داد و استنتاجی علمی از آن به دست داد. نتیجه گیری های مارکس و لینین در این زمینه، در دوران کوتني که تمرکز سرمایه شتاب خارق العاده ای به خود گرفته، حتی از سوی بسیاری از مراکز علمی و پژوهشی جهان و اندیشمدنان و اقتصاددانان مخالف مارکسیسم، مورد تائید قرار گرفته است. مارکس نخستین کسی است که، با دقت و ظرافت روند تمرکز سرمایه و علل آن را مشخص می سازد. با مبنای قراردادن همین توضیح و فرمول بندی، می توان عل شتاب بی سابقه تمرکز سرمایه و ادغام انحصارات را در شرایط حاضر درک کرد.

مارکس توضیح می دهد که، باز تولید گسترده سرمایه داری، انباشت سرمایه را موجب می شود، و انباشت سرمایه نیز تغییر ترکیب آنی سرمایه بالا می رود، برای پیوسته آن را به دنیا می آورد. هنگامی که ترکیب آنی سرمایه بالا می رود، برای ایجاد هر موسسه تولیدی سرمایه داری، سرمایه بی عظیم تر و کلان تر لازم می آید. به همین دلیل، بالارفتن ترکیب آنی سرمایه ایجاد می کند که، سرمایه بی که در اختیار سرمایه داران منفرد و کوچک قرار دارد، بزرگ و بزرگ تر شود و سرمایه های کوچک امکان کاربرد مستقل و موثر خود را از دست می دهند، و با این ترتیب، میدان برای فعالیت سرمایه کوچک هر چه تنگ تر و محدودتر می شود و

ادامه بعثتی درباره ویژگی های سرمایه...

مجتمع ها، تمام رشته های تولید زیر پوشش این مجتمع ها قرار گرفت. ماهیت این جریان عبارت بود از: در هم آمیزی موسسات رشته های پیشتر گستردۀ صنایع، تراپری و بازار گانی، یعنی ادغام رشته هایی که از نظر تکنولوژی ارتباطی با هم ندارند، در چارچوب اتحادهای انحصاری.» (۵)

روند پر شتاب تمرکز سرمایه و ادغام های بزرگ در دهه ۹۰ و آغاز سده بیست و یکم را، با توجه به این پیش زمینه هایی که عنوان شد، باید مورد ارزیابی قرار داد. در حال حاضر، انحصارات، با توجه به ادغام های وسیع، حاکمان بی رقیب جهان قلمداد می شوند. سهم سرمایه های بین المللی در محصول تاختالص جهان، از ۱۷ درصد در سال های میانی دهه ۶۰ میلادی، به ۲۴ درصد در سال ۱۹۸۲ و پیش از ۳۰ درصد در سال ۱۹۹۵ رسید. اینک حدود ۲۰۰۰ انحصار فرامی، نسب اقتصاد جهان را در اختیار گرفته اند و در تمامی رشته های حاکمیت مطلق دارند. این شرکت ها، به لحاظ جغرافیایی، میان ۹ کشور تقسیم می شوند: زاپن ۶۰ شرکت، آمریکا ۵۴ شرکت، آلمان ۲۳، فرانسه ۱۹، انگلستان ۱۱، سویس ۸، هلند ۵، ایتالیا و کره جنوبی ۵ شرکت را در خود جای داده اند. ادغام ها به انحصارات فرامی امکان می دهد تا در مقیاس جهانی عمل کنند و رقبای کوچک و ضعیف را، در هر کجای جهان که باشد، در هم خرد سازند و یا در خود هضم کنند.

نکته بسیار پر اهمیت در روند تمرکز سرمایه و ادغام انحصارات، نقش دولت های امپریالیستی است. این دولت ها، بنا به ماهیت طبقاتی خود، نقش همراه و پاری کننده را در ادغام های بر عهده دارند، و عملاً، به عنوان حامی و خدمتگزار انحصارات ادغام شده فعالیت می کنند. به عنوان نمونه، دولت ایالات متحده آمریکا مشوق و حمایت کننده ادغام دو غول بزرگ، یعنی بوئینگ و مک دالنل داگلاس بود. دولت های فرانسه، آلمان، اتریش و ایتالیا نیز به نوبه خود از ادغام انحصارات اروپایی حمایت کرده و می کنند.

ادغام انحصارات در عین حال به رقابت در میان انحصارات مختلف دامن می زند و این امر به تشدید رویارویی و صفت بندی در میان قطب های مختلف سرمایه داری منجر می شود. برای آنکه تصویری روشن و گویا از روند تمرکز سرمایه و ادغام شرکت های بزرگ در دهه ۹۰ و آغاز سده حاضر داشته باشیم، توجه به برخی از بزرگ ترین ادغام ها ضروری است.

در سال ۱۹۹۶ انحصار فرامی جدیدی از ادغام دو شرکت بزرگ دارومنزی و شیمیایی از جمله شرکت ساندوز، تشکیل شد. نام این شرکت نوظهور، نووارتیس است. نووارتیس، مدت کوتاهی پس از شکل گیری، سود خود را از ۶۳ میلیارد دلار به ۸۲ میلیارد دلار افزایش داد. هم اکنون شرکت نووارتیس دومین غول صنعت دارومنزی جهان است. در اثر این ادغام، بالغ بر ۹۵ میلیون دلار به حساب بانک های آمریکایی و سویسی رفت. بی جهت نبود که مدیر بخش حسابداری سیتی بانک آمریکا تاکید می کند: «بانک های مبالغه هنگفتی بکار اند از اینکه اند، ما همه چون سوداگران سرگرم برآنگیختن ادغام ها هستیم». به علاوه، در سال ۱۹۹۶، چند شرکت بزرگ، یعنی ام - سی - آی - مایکروسافت و بریتیش تله کام، اتحاد جدیدی را برای ارائه سرویس های مناسب تجاری و تبلیغاتی به روی شبکه اینترنت تشکیل دادند. هدف این اتحاد، قضیه تمامی آگهی های تجاری و تبلیغاتی، به ویژه بر روی شبکه اینترنت بود.

بزرگ ترین ادغام سده بیستم، ادغام دو شرکت بزرگ فنتی، یعنی آموکو آمریکایی و بریتانیا پترولیوم انگلستان بود. این دو شرکت در سال ۱۹۹۷ در هم ادغام شدند و انحصار فرامی بی - بی - آموکورا بینای گذاشتند، و به این ترتیب به یکی از سه غول فنتی جهان در کنار شل و اکسون، بدل شدند. ارزش مشترک بازار سهام این دو شرکت بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار است. با توجه به این ادغام، سود سالیانه بی - بی - آموکو به بیش از ۱ میلیارد پوند بالغ می شود.

در همین سال - ۱۹۹۷ - طرح ادغام شرکت های بوئینگ و مک دالنل - داگلاس تحقق یافت، گرچه اتحادیه اروپا، به ویژه فرانسه و آلمان با این ادغام بشدت مخالفت کردند. این ادغام سبب خواهد شد که، انحصار اروپایی ایرباس با یک رقیب جدی و توانا رو به رو شود. در ماه مه ۱۹۹۸، مطوبات جهان خبر یکی از مهم ترین ادغام های تاریخ صنعت را منتشر ساختند. دو شرکت، دایملر بنز آلمان و کرایسلر آمریکا، به یکدیگر پیوستند و شرکت بزرگ دایملر - کرایسلر را، که هدف آن حاکمیت بلا منازع در صنعت خودروسازی جهان است، تأسیس کردند. انحصار نویدید دایملر - کرایسلر اعلام داشته است که، با توجه به توانایی مالی و فنی، در صدد تولید نسل نوینی از خودروهای سواری است که با

سوخت هیدروژن حرکت خواهد کرد. وال استریت ژورنال در اواسط سال ۱۹۹۹، خبر از طرح ادغام بزرگ ترین رسانه های همگانی ایالات متحده آمریکا را در صفحات خود درج کرد: دو شرکت عظیم سی - بی - اس و ویکام، در صدد ادغامند. شرکت ویکام دارای چندین شبکه تلویزیونی کابلی، از جمله ام - تی - وی و استودیو فیلم برداری پارامونت است. سی - بی - اس نیز بزرگ ترین شبکه تلویزیونی آمریکاست و ۱۵ ایستگاه تلویزیونی را در تملک خود دارد.

با این ادغام، رسانه های همگانی، و به طور کلی فرهنگ، در حیطه بورش و نفوذ انحصارات غرب قرار می گیرند. این طرح که از سوی دولت آمریکا نیز بشدت پشتیبانی می شود، تلاشی حساب شده است که طل آن فرهنگ نیز به مشابه کلا در دایره تجارت جهانی قرار گیرد. مسئله کالای فرهنگی، یا فرهنگ به مشابه کالا، از موضوعات حساس و مورد مشاجره میان کشورهای گوناگون امپریالیستی است. راک شیراک، رئیس جمهوری فرانسه در این خصوص، طی یک مصاحبه مطبوعاتی تأکید کرده است: «فشارهای زیادی از سوی برخی اعضاء سازمان تجارت جهانی متوجه فرانسه شده است که، کالاهای فرهنگی را همچون دیگر کالاهای اقتصادی در نظر بگیریم. ما هرگز چنین امتیازی را به هیچ کس و هیچ قدرتی نخواهیم داد. تمايز فرهنگی را نمی توان انکار کرد، مسائل مربوط به فرهنگ، برنامه های تلویزیونی، سینما و جزایها، باید در یونسکو مورد بحث قرار گیرند، نه در سازمان تجارت جهانی.» ادغام شرکت های فعال در امور تبلیغاتی و رسانه های همگانی، بخشی از ویژگی های سرمایه داری معاصر است و گویای روند خطرناک انحصاری شدن پیش از پیش رسانه های همگانی است. در این باره به بزرگ ترین ادغام مطبوعاتی تام و وارن باید اشاره کرد.

این ادغام در نیستین ماه سال ۲۰۰۰ میلادی انجام شد و طی آن، شرکت آمریکن آن لاین، که در زمینه اینترنت فعال است، امپراتوری عظیم تایم وارنر را که شامل شرکت سینمایی برادران وارن، مجله تام، شبکه تلویزیونی سی - ان - ان و گروه موسیقی وارنر و شبکه تلویزیونی کارتون است، در خود بلعید. مبلغ این ادغام ۲۲۰ میلیارد پوند اعلام شد. لازم است تاکید کنیم که، شرکت آمریکن آن لاین دارای فقط ۱۵ سال سابقه فعالیت است و بزرگ ترین کمپانی اینترنت آمریکا محسوب می گردد با پیش از ۲۰ میلیون مشترک اینترنت. ادغام انحصارات، به ویژه در عرصه ارتباطات، یک کوشش هدف مند از سوی امپریالیسم برای کنترل انحصاری بازار پرسود اینترنت، و به طور کلی، داشت نوین است. یکی از پیامدهای تمرکز سرمایه و ادغام انحصارات، پایمال شدن امنیت شغلی کارگران و سقوط فاحش سطح دستمزدها، و در نتیجه، سطح زندگی زحمتکشان در سراسر جهان از جمله در اروپا و آمریکای شمالی است. انحصارات فرامی، اخراج کارکنان و کاهش دستمزدها را تحت عنوان کاستن از هزینه ها به یک سیاست رسمی و جا افتاده بدل کرده اند. سیاست downsizing (تقلیل نیروی انسانی) به موازات شتاب تمرکز سرمایه و ادغام موسسات، عملی و اجرایی شود. این سیاست به بحران پیکاری ابعادی فوق العاده گسترش بخشیده و هراس محافل مدافعان سرمایه داران را برانگیخته است.

لستر تارو، نظریه پرداز برجسته سرمایه داری در دوران معاصر و استاد اقتصاد دانشگاه های هاروارد و آم. آی - تی که مدتی نیز مشاور کلیتون رئیس جمهوری آمریکا بود با اشاره به این مسئله در کتاب مشهور خود، «آنینه سرمایه داری» می نویسد: «در اواخر دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰، دو موج کوچک کردن شرکت ها (یعنی تقلیل نیروی انسانی) سراسر کشور را در بر گرفت و حدود ۲/۵ میلیون شغل خوب را حذف کرد. شرکت های بزرگ اعلام کردنده، مشاغل حذف شده را از ۳۰۰/۰۰ در سال ۱۹۹۰ به ۴۰۰/۰۰ بازگشته است... در سال ۱۹۹۳ اعلام شد سپس این رقم در ۱۹۹۲ به ۴۰۰/۰۰ بازگشته است... در سال ۱۹۹۴ اعلام شد که ۶۰ هزار نفر کار خود را از دست خواهد داد... کوچک سازی شرکت ها (تعدیل نیروی انسانی) در سال ۱۹۹۵ به بهای از دست رفتن نزدیک به ۶۰ هزار شغل تمام خواهد شد... در عین حال، شرکت ها در این دوره کلان ترین سودهای ۲۵ سال گذشته خود را به جیب زده اند... کوچک سازی (تقلیل نیروی انسانی) در آمریکا آغاز شد، اما اکنون به اروپا کشیده شده و زاپن را نیز تهدید می کند، در چهار ماه اول ۱۹۹۴ در آلمان ۱۸۰۰۰ مورد کوچک سازی (تقلیل نیروی انسانی) اعلام شد. در سال ۱۹۹۵ موسسات بزرگ مانند بانک آلمان (دیچه بانک) کاهش ۲۰ درصدی کارکنان خود را اعلام کردنده - پیش از ۱۰۰/۰۰ شغل فقط در آلمان از بین رفت و حال آنکه در همان زمان اعلام می کردند در نیمه اول

ادامه آرامش «فعال» و چانه زنی ...

«ناقص»، روشنفکران، نویسنده‌گان، و فعالان سیاسی را در بیدادگاه‌های رژیم ولاست قیمه، به زندان و حتی اعدام محکوم سازند. انجام اقدامات خشونت‌آمیز بر ضد زندانیان سیاسی که یک نمونه آن توسط اکبر گنجی در جریان محاکمه‌اش در بیدادگاه «گفته شد، گوشه‌ای دیگر از اقدامات آگاهانه و سرکوب گرانه قوه قضاییه در راستای منافع ولاست قیمه بشد. این نمونه‌ها تنها گوشه‌ای کوچک از جنایاتی است که به واسطه فشار افکار عمومی بر ملا می‌شود. از سرنوشت صدھا زندانی سیاسی گفتم در زندان‌های رژیم، هیچگونه خبری نیست و اخبار نگران کننده‌ای که گاه و بیگانه از طرق گوناگون به خارج درز می‌کند، نشان دهنده تداوم سیاست قلم و قمع دگراندیشان توسط دستگاهی است که تنها هدفش تبیث پایه‌های رژیم خون ریز و سرکوب گر است. اگر این نکته لاق برای بخشی از توده‌ها با تردیدهایی روبرو بود، اما بعد از این همه سرکوب گری‌ها که بیشتر آنها در چند ماه گذشته اتفاق افتاده این سوال را مطرح می‌کند، که اصولاً ایجاد توهمندی به این ارگان سرکوب گر تخت اختیار رژیم ولاست قیمه، با چه هدفی صورت می‌گیرد؟ یک تصویر مفسوس که در آن می‌توان رگه‌های از عدالت و احترام به حقوق شهر و ندان در این ارگان سرکوب پیدا کرد را چگونه می‌توان تعبیر کرد؟ تکیه بر توده‌ها تنها راه تضمین شده برای پیشبرد اصلاحات است.

ادامه رویدادهای جهان ...

انگلستان است. تنها در طی هفته گذشته بیش از هفت هواپیما، حامل مقامات رسمی و هیئت‌های اقتصادی از کشورهای مختلف وارد عراق شدند. از جمله این کشورها ایرلند، ترکیه، اردن و امارات متحده عربی را می‌توان نام برد.

همچنین، عراق اعلام کرده است که، طی این هفته هواپیماهای حامل افراد غیر نظامی به مناطق «منوع» پرواز خواهند کرد. ایالات متحده، به طور رسمی، روسیه و فرانسه را که دو عضو ثابت شورای امنیت سازمان ملل اند، در مورد افزایش مقاومت بر ضد تحریرها، مقصراً اعلام کرده است. پس از بمباران‌های اخیر، سران کشورهای عربی، حمله هوایی ایالات متحده و انگلستان را محکوم کردن، و رئیس «گروه» «اتحادیه اعراب» ضمن محکوم کردن حمله اخیر گفت: «ادامه بمبارانها توسط هواپیماهای آمریکایی و انگلیسی علیه اهداف غیر نظامی عراق، تنها منجر به قربانی کردن مردم می‌شود و اضافه کرد که غرب باید به جای بمبارانها، راه حل‌های سیاسی را در پیش بگیرد.» حملات هوایی ایالات متحده آمریکا و انگلستان پس از دسامبر ۱۹۹۸ سبب کشته شدن بیش از ۳۱ نفر و مجرح شدن بیش از ۹۲۷ نفر شده است.

ادامه بعثی درباره ویژگی‌های سرمایه ...

سال ۱۷۵ میلیارد دلار سود داشته اند... ایتالیا تاکنون تمام این اخراج‌ها در زمانی انجام می‌پذیرد که تمرکز سرمایه شتاب خیره کننده‌ای داشته و ادغام‌های بزرگ و پرسود انجام یافته است. اغلب کارکنان فکری ویدی، که لستر تارو از آنها نام برد است در آمریکا و اروپا، پس از اخراج، دوباره به کار فراخوانده شدند، اما این بار به عنوان پیمانی و کرایه‌ای بدون مزايا و با سطح دستمزدی پایین تراز گذشته. لستر تارو، در این زمینه می‌نویسد: «در آمریکا کسانی که جفده کوچک سازی (تقلیل نیروی انسانی) برای شان نشسته ضریب اقتصادی بزرگی خوردند. در موج اول کوچک سازی (تقلیل نیروی انسانی) ۱۲ درصد نیروی کار خود را برای همیشه اخراج کردند. ۱۷ درصد تا دو سال بعد بیکار مانندند. از ۷۱ درصدی که دوباره به کار بازگشته اند، ۳۱ درصد با کاهش مزد خود به میزان ۲۵ درصد و یا بیشتر روبه رو شدند. اگر کارگری قربانی کوچک سازی (تقلیل نیروی انسانی) شود، به طور معمول بیش از ۵۰ درصد مزد پیشین خود را از دست می‌دهد.» (۷)

با این حساب مشخص است که، سودهای سرشار از ادغام‌ها از کجا و به چه ترتیب به دست می‌آید. همراه و به موازات تسلط مغرب انحصارات بر مقدرات جهان ما و همروند با تمرکز پر شتاب سرمایه و ادغام‌های بزرگ که از دل آنها انحصارات غول پیکر متولد می‌شوند، مبارزه طبقاتی، در اشکال مختلف تشدید می‌شود. زحمتکشان فکری و یدی سراسر جهان پس از یک دوره رکود و عقب نشینی دوباره نیروهای خود را برای رویارویی با سرمایه بسیج می‌کنند. سده بیست و یکم، بدون تردید، شاهد تحولات بزرگ و شگفت‌انگیزی خواهد بود.

منابع:

۱. «ترکیب آلی یا ارگانیک سرمایه» اصطلاحی است که مارکس در توضیح قانون عام ابانت سرمایه داری به کار می‌برد. مارکس می‌نویسد: «ترکیب ارزشی سرمایه را تأثیرگاه وابسته به ترکیب فنی و معنکس گذشته تغییرات آنست، ترکیب آلی سرمایه می‌خواهد.» رجوع کنید به کارل مارکس، سرمایه، ترجمه ایرج اسکندری، انتشارات حزب توده ایران، جلد اول، فصل بیست و سوم، صفحه ۵۵۴.
۲. کارل مارکس، سرمایه، ترجمه ایرج اسکندری، انتشارات حزب توده ایران، صفحه ۵۶۷.
۳. کارل مارکس، سرمایه، ترجمه ایرج اسکندری، انتشارات حزب توده ایران، صفحه ۵۶۸.
۴. کارل مارکس، سرمایه، ترجمه ایرج اسکندری، انتشارات حزب توده ایران، صفحه ۵۶۸.
۵. گ. آ - کازلف، اقتصاد سیاسی شیوه تولید سرمایه داری - امپریالیسم، ترجمه ایرج اسکندری، انتشارات حزب توده ایران، صفحه ۵۶۸.
۶. لستر تارو، آینده سرمایه داری، ترجمه عزیز کیاوند، نشر دیدار، صفحات ۴۸، ۴۹ و ۵۰.
۷. لستر تارو - آینده سرمایه داری، ترجمه عزیز کیاوند، نشر دیدار، صفحات ۵۰ - ۵۱.

ادامه امام جمعه، فرماندهان سپاه ...

هولناک مزدوران رژیم در حمله به اردوی دانشجویان روش نئی کند که امام جمعه خرم آباد و مسئولان سپاه در این استان بر اساس رهنمود پجه کس و یا مراکزی این یورش را سازماندهی کرند. البته برای مردم ما که سالهای است با این شیوه حکومت مداری خوگرفته آند پیدا کردن ریشه مسائل کار دشواری نیست. در کشوری که بودجه عظیمی به نیروهای امنیتی اختصاص داده شده است و صدھا هزار نفر نیروی امنیتی مسلح زیر رهنمود مستقیم «ولی فقیه» برای «حفظ نظام» در «صحنه ها حضور» دارند، تصور اینکه می‌توان فرودگاه شهری را تصرف و مستولان دولتی، از جمله معاون وزیر کشور را مورد ضرب و شتم قرار داد و سپس به صدھا دانشجویی بی‌گناه این چنین وحشیانه هجوم برد، بدون آنکه این برنامه وسیع، که نه تنها در استان لرستان، بلکه در اهواز و مشهد و سایر نقاط کشور به صورت سازمان یافته پیاده شده است، بدون آنکه این تهاجم از سوی دفتر رهبر رژیم مورد تأیید قرار گرفته باشد، خیال خام است.

حزب توده ایران، یورش به اردوی دانشجویان دفتر تحکم وحدت در خرم آباد را بخشی از توطئه حساب شده رهبری رژیم «ولایت فقیه» بر ضد جنبش مردمی ارزیابی می‌کند که ابعاد دیگر این توطئه بستن پیش از ۳۰ نشیبه، دستگیری ده ها نویسنده و روزنامه نگار گراندیش و در مجموع تشدید جو اختناق به منظور سد کردن روند اصلاحات در میهن ما بود. مردم ما حق دارند پیروزی دستگیری خواهند داشتند. چگونه «ولی فقیه» در مذمت و حمله به جنبش آزادی خواهانه مردم ما سخنرانی می‌کند و مردم آزادی خواهان را به دشمنی با ایران متهم می‌کند ولی تاکنون یکبار هم سخن به مذمت جنایتکاران و چاقوکشان «انصار حزب الله» نگفته است. پاسخ به این سوال پیش از آنکه برای مردم ما که حقایق را به خوبی می‌دانند، لازم باشد برای آن گروه از مدافعان «نظام» ضروری است که در صفوں چنین اصلاح طلبی تشوری «فرا جناحی» بودن «ولی فقیه» را تبلیغ می‌کنند و معتقدند که می‌توانند روند اصلاحات را با «آرامش فعل»، یعنی از طریق رایزنی با ارجاع به پیش برنزند.

گزارش مجلس شورای اسلامی، برغم برخی کمبودها، نخستین گزارش در نوع خود است که از سوی یک نهاد رسمی پرده از روی جنایاتی بر می‌دارد که مراکز قدرت در میهن ما سازمان دهنده‌اند. بی‌شک انتشار این گزارش بازتاب گسترده‌ای در میان مردم و نیروهای متفرق و اصلاح طلب خواهد داشت.

گام بعدی سازماندهی کارزاری وسیع برای به معکوم کشاندن مسئولان این جنایات، از جمله نماینده «ولی فقیه» در خرم آباد و مسئولان سپاه پاسداران در این استان است. باید منتظر بود که با انتشار این گزارش کارزار وسیع تبلیغاتی بر ضد مجلس و نمایندگان عضو کمیسیون تحقیق مجلس، از سوی بلندگوهای ارتجاع، همچون صدا و سیما و روزنامه‌های کهان، رسالت و جمهوری اسلامی به راه افتاد. هوشیاری نیروهای مردمی در برخورد با ترددگاه‌های احتمالی رژیم در اوضاع کنونی اهمیت ویژه‌ای دارد. باید مبتنظر حملات جدید نیروهای ارتجاعی بود و برای مقابله با آن آماده شد.

□ نگاهی به رویدادهای جهان

□ در هفته ای که گذشت

بلکه نوعی «سلاح استریتیک» است تا بتواند تحریر را پیروز دهد، جامعه را دچار تزلزل کند و مقاومتها را بشکند. این نوعی فشار روحی است که برای گرفتن اعتراف مورد بهره برداری قرار می‌گیرد و برای سربازان به عنوان پاداش در نظر گرفته می‌شود. این گروهها از سازمان مدل خواستند تا برای یافتن واقعیت ها با کمیته‌های محلی زنان تشریک ساسای کنند.

افزایش فشار تحریم های اقتصادی علیه کوبا
دولت کوبا، طی اطلاعیه بی قانون جدید
«کاهاش» تحریم های اقتصادی بر ضد این
کشور، توسط آمریکا را محاکم کرد و آن را
محدود شد. این قانون در ظاهر به شرکت های
کوچک اجازه می دهد تا بتوانند مواد غذایی و
دارو و به کوبا صادر کنند. در حالی که در عمل
محدودیت های بیشتری را به وجود آورده است
و دولت کوبا آن را غیر عملی و ریا کارانه
خواند.

این قانون که بر اثر فشار کشورهای آمریکایی و شرکت های صادراتی و با پیشنهاد «بیل کلینتون» به کنگره این کشور، به تصویب رسیده است، سرمایه گذاریهای خصوصی و عمومی توسط آمریکایی ها، و قراردادهای اقتصادی با دولت کوبا را مهچنان غیر قانونی

گفت: «ما بطور کامل این حریه جدید را در می‌دانم.... ما حاضر نیستیم در مبادلات بازرگانی و یا هر کشور دیگری آن شرایطی را پذیریم که به شان و مقام کشور ما و مردم آن لطمہ بزند». او همچنین اضافه کرد که حتی «بیل کلیلتون» نیز به قانون جلوگیری از سرمایه گذاری ها اعتراض داشت. آن قانونی که در عمل فروش مواد غذایی به کویا را توسط شرکت های کشاورزی کوچک غیر ممکن می سازد. علاوه بر آن کلیلتون از قانون منع سفر اتباع آمریکایی به کویا انتقاد کرد و است. لاک در ادامه گفت: «این واقعی نیست، غیر عملی است، هیچ حمل و نقلی وجود ندارد، هیچ رابطه با انکی موجود نیست و برای هر مورد اقتصادی و بازار گانی باید اجازه گرفت شود و هیچ پشتوانه با انکی وجود ندارد.... قانون جدید نه تنها از تحریم ها نکاسته است، بلکه در عمل به فشار تحریم ها نیز افزوده است.»

بمباران شمال عراق توسط غرب

هفته گذشته، نیروهای مشترک هوابی ایالات متحده و انگلستان، منطقه‌غیر نظامی در شمال عراق را بمباران کردند. همچنین جند روز پیش از این حمله هواپیماهای امریکایی، جنوب عراق را بمباران کردند که پیامد آن کشته شدن دو غیر نظامی بود. بنا به ادعای فرمانده نظامی پاگاه هوابی ایالات متحده آمریکا در آلمان این حملات بر ضد قرار گاههای نظامی عراق صورت گرفته بود.

علت افزایش حملات هوایی علیه عراق، افزایش پرواز هوایپیمایی خارجی به این کشور است، پروازهایی که نوعی اعتراض علیه تحریم های اقتصادی و غیر انسانی ایالات متحده و

ادامه در صفحه ۶

۳. فراهم آوردن حفاظی بین المللی برای مردم فلسطین که تحت کارزاری رحمانه بر ضد موجودیت خود و حقوق حقه اش

بر سرمهی خود فرار درد.
۴. فشار به اسرائیل برای اجرای قطعنامه بین المللی و
عقب نشینی از اراضی اشغالی سال ۱۹۶۷ و از جمله منطقه شرقی
بیت المقدس، گردید.

* به دعوت حزب مردم فلسطین و در چهارچوب اقدامات بین المللی در همبستگی با مردم فلسطین، یک هشیت عالیرتبه از حزب کمونیست یونان به رهبری آنگا پاریسکا، دبیر کل حزب برادر، به مدت پنج روز از مناطق اشغالی بازدید کرد. هشیت یونانی با یاسر عرفات، رهبر دولت خود مختار فلسطینی و دیگر سازمان‌های فلسطینی ملاقات و گفتگو کرد. پا پاریسا به میزبانان خود قول داد تا به وزارت خارجه یونان درباره وضعیت واقعی مردم فلسطین مذاکره کند و کارزار همبستگی با فلسطین را گسترش دهد.

پیروزی چپ در برزیل

بدنبال نتایج دور دوم انتخابات شهرداری ها، در اکثر شهر های برزیل پرچم های سرخ به نشان پیروزی یکپارچه نیروهای چپ به انتزار در آمد. در این انتخابات، که در روز ۸ آبان ماه برگزار گردید، کاندیداهای حزب کارگران برزیل در ۱۳ شهر از ۱۶ شهر از جمله پنج مرکز استان سائوپلو، پورتوآلگری، زیسیف، گویان و بلام پیروز شدند.

در سائوپلو، شهری که مارت سولیسی، کاندیدای حزب کارگران با ۵۸/۵ درصد آراء بر کاندیدای نیروهای راست پیروز شد، خیابان مرکزی بزرگترین شهر آمریکای جنوبی مملو از حامیان نیروهای چپ با پرچم های سرخ آنان بود.

پیروزی حزب کارگران نتیجه مبارزات خستگی ناپذیر آن بر حول مسائل اجتماعی و بر ضد فساد و بورکاراتیسم فاسد است. پیروزی مارتا پلپی، که بر رغم عدم تحریه در بیاست، از شهرت فراوانی به عنوان یک فرد امین و قابل اعتماد در شهر پرسخوردار است بر پایه وسیع ترین اختلاف نیروهای سیاسی که خواهان شفاقت در اداره شهر هستند، ممکن گردید. او در اولین سخنرانی خود پس از پیروزی، از بیش از ۳ میلیون شهر و نومندی که به اورای داده بودند، تشکر کرد. در پوروتو الگر، تار سوگنزو، کاندیدای حزب کارگران، با ۶۳/۵۱ درصد آراء و با پالترنم حمایت از اداره شرافتمدانه و کارآمد شهرداری، برای چهارمین بار پیروزی حزب خود را جشن گرفت. تحلیل گران متفق القولند که انتخابات شهرداری ها پیش در آمدی بر انتخابات ریاست جمهوری در سال ۲۰۰۲ است، حزب کمونیست بزریل و حزب کارگران در انتخابات شهرداری ها پالترنم سوسیالیستی و چپ رادیکالی را ارثه دادند. پیروزی چپ انگکاس نارضایتی وسیع مردم در مناطق شهری بزرگ است، یعنی جاینکه بیکاری، فقر و خشونت پیداد می کند.

خواست زنان برای حضور در گفتگوهای مذاکرات صلح
تعداد کشیری از گروهها و تشکیلات زنان طی درخواستی به
جمعیت عمومی سازمان ملل متحد، خواستار حقوق برابر با مردان
برای شرکت در مناقشات صلح شدند. آنها می‌آیند درخواست
متذکر شدند که، برغم آنکه در جریان جنگ ها زنان از خانه
خود رانده می‌شوند، مورد تجاوز قرار می‌گیرند و یا این که
وادار به ترک میهین خود می‌شوند، در زمان بعث در مورد صلح و
مسایل مربوط به آن نایدیده گرفته می‌شوند. انتظار می‌رود که
سفریر «نامیبا»، «مارتن آنه گراها» تقاضای قطعنامه‌ی را کند
که در آن زنان نه به عنوان قربانی، بلکه به مانند مردان و با
شرایط مساوی با مردان، در بحث‌های صلح شرکت کنند،
بیش از یک صد گروه از زنان در بیانیه خود گفتند که
توحش و خشونت بر ضد زنان در جنگها یک اتفاق ساده نیست،

«انتفاضة» نبرد خلق فلسطين
بر ضد صهيونیسم

قیام مردم فلسطین، بر رغم آتش تیر بارهای اسرائیلی، و تلاش بین المللی برای اعلام آتش بس در درگیری ها در سرزمین های اشغالی فلسطین، ادامه دارد. تا کنون حدود ۱۸۰ جوان غیر مسلح فلسطینی بدست نیروهای نظامی و امنیتی اسرائیلی در خون غلطیده اند.

دولت اهود باراک، در کوشش برای جلوگیری از رای عدم اعتماد مجلس اسرائیل و سقوط دولتش، با اتخاذ سیاست سرکوب نظامی و خشن در صدد جلب همکاری احزاب مذهبی افراطی و صهونیست های حزب لیکود به رهبری اریل شارون است، که بازدید تحریک آمیز از اماکن مقدس شرق بیت المقدس در اواخر شهریور ماه، آغاز گر این موج اعتراض مردم فلسطین بوده است. حزب کمونیست اسرائیل در بیانیه بی در اوایل آبان «کوشش های باراک برای ایجاد یک اختلاف اضطراری با شرکت شارون و لیکود را تقلیلی عاجزانه برای نجات دولت خود» داشت. و اضافه کرد که، این نلاش ها ادامه حملات بر ضد مردم فلسطین است.» حزب کمونیست اسرائیل توقف روند صلح را دهن کجی به تصمیمات اتخاذ شده در اجلاس کشورهای عربی در قاهره دانست که صلح را به عنوان یک انتخاب استراتژیک قلمداد کرد. این بیانیه اضافه می کند که: «باراک با کلمات و اعمال خود ثابت می کند که حقیقتاً خواستار صلح کامل و عادله نیست.»

پاراک در اظهاراتی، که نشان دهنده بحران عمیق مذاکرات صلح است، به عرفات اختصار کرد: «در پیچه های ممکن در حال پسته شدن است.» و اینکه فلسطینی ها «از طریق خشونت چیزی به دست نخواهند آورد.»

در حرکتی که نمایشگر درجه وخامت اوضاع است، نیروهای مسلح اسرائیل برای تنبیه سازمان دهنده گان قیام اتفاقاً با هلیکوپتر دفاتر الفتخر سازمان عمه سیاسی فلسطین که یا سر عرفات عضو آن است را مورد اصابت موشک قرار دادند. در روزهای اخیر روزی نبوده است که چندین جوان بی گناه فلسطینی کشته نشوند. موضوع مخرب دولت اسرائیل هر گونه فرقی را برای از سرگیری مذاکرات صلح از بین برده است. موافقنامه قطع در گیری ها، که در جریان ملاقات شیمون پرز، نخست وزیر سابق اسرائیل از حزب کارگر، و یاسر عرفات، در ۱۱ آبان ماه، اضافه شده بود، به دلیل جو سوء ظن و عملیات تحریک آمیز ارتش اسرائیل و صهیونیست های افراطی، عمل تغییری در اوضاع نداده است، دولت اسرائیل اصرار می ورزد که به عنوان شرط اصلی قطع عملیات ارتش یاسر عرفات شخصاً از مردم فلسطین درخواست کند که به قیام خود خاتمه دهنده و در مقابل اهود باراک از ارتش خواستار قطع عملیات خواهد شد. در ادامه کوشش های دیپلماتیک ایالات متحده برای مذاکره با یاسر عرفات و اهود باراک به منظور خاتمه در گیری ها و شروع مجدد روند مذاکرات صلح، قرار است که دور جدیدی از اجلاس سه رهبر در نیمه دوم آبان ماه انجام یابد.

- حزب مردم فلسطین در بیانیه‌ی از نیروهای ترقی خواه جهان خواست که با فشار بر دولت اسرائیل و محافل بین‌المللی خواستار:
 ۱. توقف فوری کشتار شهروندان بی دفاع فلسطینی توسط ارتش اسرائیل؛
 ۲. قبول خواسته افکار عمومی جهان مبنی بر تشکیل یک کمیسیون تحقیقی بین‌المللی در مورد ابعاد کشتارهای، اخیر و مسان آن؛

زحمتکشان و انتخابات ریاست جمهوری آمریکا

اینکه در صورت پایین بودن سطح شرکت مردم در انتخابات، نیروهای راست شانت پیشتری برای موفقیت خواهند داشت، کارزار وسیعی را برای تشویق زحمتکشان، فعالان و اعضای اتحادیه های کارگری و رنگین پوست های صاحب رای به شرکت در انتخابات سازمان داده بودند. در دوره های پیشین کمتر از ۵۰ درصد از صاحبان آرا در انتخابات شرکت کردند. نیروهای ترقی خواه با درک اینکه در غیاب شرکت فعل مردم، امکان موفقیت انتخاباتی جوړ بوش، کاندیدای حزب جمهوری خواه و دیگر کاندیداهای راست گرا و افراطی پیشتر خواهد بود و کنترل سیاسی ایالات متحده در دست نیروهای راست گرا، نزد پرست و عمیقاً ضد زحمتکشان قرار خواهد گرفت، شرکت وسیع در انتخابات را تبلیغ می کردند.

نیروهای دموکراتیک و ترقی خواه آمریکا با توجه به اینکه ساختار سیاسی کشور امکان عملی برای شرکت نمایندگان متفرق و مستقل خارج از صفوں دو حزب مسلط کشور در این انتخابات را فراهم نیاورده است و با این تحلیل که شکست جمهوری خواهان، راست گرایان را در موضوع ضعیف تری قرار خواهد داد و با تشکیل اتحاد های وسیع مردمی حول موضوع ترقی خواهانه، فعالانه در انتخابات شرکت کردند.

اتحادیه های کارگری از جمله اتحادیه سراسری کارگران (AFL-CIO) و سازمانهای اجتماعی مانند (NAACP) و بسیاری از سازمانهای مستقری و چپ و از جمله حزب کمونیست آمریکا در اتحادی وسیع، در سطح جامعه بر حور شکست نیروهای ارجاعی و راست گرا و در تبلیغ بلاتفترم های ترقی خواهانه به نفع مردم زحمتکش، مشکل گردیدند. این اتحادیهای حزب اجتماعی گرچه شکل سازمان یافته تشکیلاتی به خود نگرفتند، اما تبلور خود را در همسوی مواضع اتخاذ شده و اعلام شده آنها به نمایش گذاشت.

محورهای عمدۀ اقتصادی، اجتماعی و سیاسی وحدت بخش نیروهای متفرق در انتخابات اخیر را می توان در دفاع از سیستم مدارس دولتی و تخصیص بودجه بیشتر به آموزش و پرورش، حفظ و تحکیم سیستم موجود حقوقی و مزایای بازنشستگی، دفاع از حقوق اقلیتها، دفاع از حقوق

ادامه در صفحه ۳

کمک های مالی رسیده

به مناسب پنجاه و نهمین سالگرد حزب از نیویورک ۵۰۰ دلار

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

- 1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
- 2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
- 3- <http://www.tudehpartyiran.org>

NAMEH MARDOM-NO:596

Central Organ of the Tudeh Party of Iran

عالی ترین تجلی «دموکراسی»!

باعلام اینکه نتیجه نهایی انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، پس از بررسی مخالف قضایی در مورد تقدیمات انتخاباتی در ایالت فلوریدا و شکایات متعدد از گیج کننده بودن برگه های رای در این ایالت اعلام خواهد شد ایالت متحده با بحران سیاسی کم نظری که در ۱۲۰ سال اخیر بی سابقه بوده، مواجه است.

در انتخابات ریاست جمهوری، در روز ۱۷ آبان ماه هردو کاندیدای اصلی، جرج بوش و ال گر، ۴۸ درصد آرا را به دست آورده و لی ال گر در سطح آمریکا حدود ۲۵۰/۰۰۰ رای بیشتر کسب کرد.

طبق قانون انتخابات آمریکا، رئیس جمهوری جدید از تناسب آراء در یک کالج انتخاباتی که هر ایالت به نسبت جمعیت خود در آن صاحب تعداد آراء مشخص است، تعیین می شود. پس از شمارش آرادر هر ایالت، کاندیدای پیروز تعیین آرای ایالت در کالج انتخاباتی را تصاحب می کند. کالج انتخاباتی در مجموع دارای ۵۲۸ عضو است و کاندیدای پیروز باید حداقل ۲۷۰ رای آن را دارا باشد. در انتخابات اخیر با توجه به نزدیک بودن آرای دو رقیب در سراسر آمریکا، هر کاندیدایی که در ایالت فلوریدا، که در کالج انتخاباتی ۲۵ عضو دارد، پیروز می شد، اکثرت را در کالج کسب می کرد.

پس از اعلام اینکه دموکرات آمریکا، که در ۴ ساله اخیر فقط کنترل قوه مجریه را به دست داشت، کارزار قدرتمندی را جهت تقویت مواضع و پیشبرد برنامه سیاسی خود در راستای بدست آوردن کنترل در مجلس سنا و مجلس نمایندگان سازمان داده بود. زحمتکشان ایالات متحده با تشخیص گرایش های شدیداً محافظه کارانه و ارجاعی حزب جمهوری خواه و با یاد آوری نتایج فاجعه باز دوران ریاست جمهوری رونالد ریگان و جرج بوش، در سالهای ۱۹۸۰-۱۹۸۴ با هدف شکست سیاست های نظامی گرایانه، نولیبرالی افراطی و مذهب گرایانه جمهوری خواهان در انتخابات شرکت فعالی داشتند.

اتحادهای وسیع مردمی، که عمدتاً بر محور مواضع کاندیداهای نسبت به مسائل سیاسی و اجتماعی و نیز به منظور جلوگیری از تسلط کامل نیروهای راست گرا و کاندیداهای حزب جمهوری خواه بر هرم قدرت در کشور شکل گرفته بود، از دوران ریاست جمهوری رونالد ریگان کمتر از ۵۰ درصد صاحبان آراء در انتخابات اخیر شرکت نزدیک دارد، داده می شد. حزب دموکرات خواهان برسی قانونی وضعیت از طریق دادگاه ها شده است، برخی از مخالف حزب دموکرات خواهستان تجدید انتخابات در مناطقی از فلوریدا شده اند که نتایج آن مورد سوال است. این حقیقت که کمتر از ۳۰۰۰ رای از انتظار می رفته، رای به دست آورده است. حداقل ۳۰۰۰ رای از این آرا می بایست به ال گر که با مخالف پیوودی خواهان در تقدیمی دارد، داده می شد. حزب دموکرات خواهان برسی انتظار می کند نیماشگر بی اعتباری سیستم سیاسی حاکم بر ایالات کردند، نیماشگر بی اعتباری سیستم سیاسی حاکم بر ایالات متحده، این ابر قدرت امپریالیستی جهان است که فعالانه تلاش می کند سیستم اقتصادی- اجتماعی اقتصادی- اجتماعی سیاسی خود را بر دیگر کشورهای جهان تحمیل کند. در صورتی که جرج بوش به عنوان کاندیدای پیروز اعلام شود، عمل نامزدی که در انتخابات از نظر مردم در مقام دوم قرار دارد، به ریاست جمهوری خواهد شدیداً زیر علامت مسئول خواهد بود.

در انتخابات مجلس سنا و مجلس نمایندگان، برغم نقصان یافتن تعداد نمایندگان حزب جمهوری خواه، این حزب کنترل خود بر هر دو مجلس و بنابراین کنگره آمریکا را حفظ خواهد کرد. در سال های پس از جنگ جهانی دوم فقط در دوران ریاست جمهوری آیزنهاور از حزب جمهوری خواه، کنترل دو قوه مجریه و مقنه در دست یک حزب قرار داشته است. دوران ریاست جمهوری آیزنهاور یاد آور تشدید سیاست های ضد کمونیستی و ضد کارگری است.

14 November 2000

شماره فاکس و

تلفن پیام گیر ما

۰۰۰-۴۹-۳۰-۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

IRAN e. V.

790020580

10050000

Berliner Sparkasse

نام

شماره حساب

کد بانک

بانک

سهیلا جلودارزاده گفت: «انگیزه ما از تنظیم طرح من ازدواج این بود که در دیدار نایندگان دوره پنجم مجلس با رهبر معظم انقلاب مسئله ازدواج های تحمیلی مطرح شده بود. این طرح یک اقدام قانونی برای جلوگیری از ازدواج های تحمیلی و زد هنگام بود که در واقع شرعی نیستند. در سفر به بندرعباس از ازدواج دختر ۱۶ ساله ای با یک مرد ۶۰ ساله با خبر شدیم. این مسایل در کشور کم نیستند، آیا نباید جلوی چنین فجایعی را گرفت؟» (ایسنا دوشنبه ۲۳ آبان). با ملاک قراردادن سختگاه جلودارزاده مبنی بر ملاقات با ولی فقیه رژیم در مورد چنین مصوباتی، کاملاً مشخص است که، قوانین ارتجاعی با اطلاع و آگاهی کامل بالاترین مقامات رژیم در مورد تضییق حقوق زنان، نشانه هایی از عقب نشینی حاکمان مرتاج در این زمینه مشاهده نگردیده است. تبعات زیان بار چنین میثاسته های ضد مردمی هر از چند گاه در برخی روزنامه ها در می گردد که خود نونه گویای از وحات اوضاع اسف انجیز زنان مهمنام می باشد.

روزنامه همبستگی شنبه ۲۸ آبان، در خبری نوشته

است: «با خبر شدیم برادر و پدر یک زن در کرامات‌آواری را

در حیاط منزل بسته و پس از ضرب و شتم با نفت سوزانده

اند. این زن که به انتقام فساد از سوی برادران و پدرش به

آتش کشیده شد، بیش از آنکه بتواند از کمک یکی از

اطرافیان یا همسایگان امداد گیرد، در آتش سوت و جان

سپرد. یک معنی آگاه به خبرنگار مگفت: نقض قوانین

قضایی موجود در مورد زنان موجب شده است که هنوز در

بسیاری از استان های کشور مردان بدون ترس از عواقب

انسان سوزی و انسان کشی، خودسرانه در صدد تبیه زنان

برآیند و آنها را پیش از اثبات اتهام و در کمال عصباتی با

سخت ترین اتحا بسوازند و یا با چاقو قطمه کنند. گفته

می شود از آنجا که برادران و پدر زن سوزانده شده خود از

اویلایی دم محصور می شوند، از مجازات شدید در مقابل این

عمل چندان واهه ای ندارند.»

به گزارش ایسنا، دوشنبه ۲۳ آبان، خاتم مائینی پژوهش

گر امور زنان در جریان یک سخنرانی راجع به خشونت بر

ضد زنان گفت: «از آن جا که دختران به جهت جسمی نیز

آسیب پذیری بیشتری دارند احتیال آسیب دیدگی بیشتری

دارند. بر اساس مطالعاتی که در داخل کشور و از آن جمله

کرستان و بلوچستان صورت گرفته است، حدوداً زنان ابراز

داشته اند که از جانب پدران و شوهرانشان کنک می خورند

و در پاسخ چیزی که مرد می خواهد اگر کوتاهی صورت گیرد،

مرد اور امور ضرب و شتم قرار می دهد.» وی در جایی دیگر

اظهار داشته: «بر اساس تحقیقات انجام شده در مورد

وضعیت زنان و دختران در کرستان و سیستان و بلوچستان،

کمتر از زنان به ازدواج های اجرایی در سنین کودکی مجبور

بوده اند که این ازدواج ها در بعضی از نقاط حتی از سنین ۷

تا ۸ سالگی آغاز شده و در بسیاری از مواقع با اختلاف سن

زیاد، عدم تفاهم و خشونت های خانوادگی و گاهی مواقع

خودکشی و یا قتل همراه بوده است.»

چنین تاھنجاری های اجتماعی در میهن مان، گرچه ریشه

در عقب ماندگی فرهنگی و یافته مستی جامعه، بخصوص در

مناطقی از ایران که فقر در آن در حد لایی است، دارد، ولی

اتخاذ سیاست هایی که به طور عدم حقوق زنان را بایسال می

گردیده است. رژیم ولایت فقیه، مسئول مستقیم چنین فجایعی

بخصوص در مورد زنان است.

ادامه در صفحه بعد

نگاهی به رویدادهای ایران

دو هفته‌ای که گذشت

منابله سورای نکیجان با حشوی زنان

به گزارش رسانه های گروهی در هفته گذشته، شورای نگهبان بار دیگر مصوبه اخیر مجلس در باره سن ازدواج دختران و پسران را، که برای دختران حداقل پانزده سال تمام معین شده بود خلاف «شرع» شناخت و از تصویب آن خودداری کرد. هر چند در مجلس ششم دو طرح دیگر به نفع زنان به تصویب رسید، اما در همه موارد با مخالفت شورای نگهبان موافق گردید. در این باره عکس العمل هایی مخالف با این اقدام شورای نگهبان از طرف فعلان سیاسی در داخل ایران ایراز گردید.

ضمیمه ۵۹۶

ارکان مرکزی حزب توده ایران

ضمیمه ۵۹۶، دوره هشتم
سال هفدهم، ۱ آذر ۱۳۷۹

آماده شدن برای «کشن» و «کشته شدن»

گفت: «آمریکا وقتی می خواهد تفویز کند، می گردد

• مزدورانی از میان افراد معمین ملت و گاهی از میان

نهادهای اقلایی پسدا کرده و سرمایه گذاری می

کند.» حسین شریعت‌مقدمی، سردبیر روزنامه شد چرا

ارگان چاقو کشان، مزدوران سرکوب و «سریازان

گمنام امام زمان»، نیز در تشریح جریان اصلاح طلبی

گفت: «امروز ما با جریانی روبرو هستیم که با دو

زبان در صحنه حاضر است. وقتی با خودی ها روبه

روم شوند بترجم اسلام خواهی را بلند می کنند و در

خلوت یا شیاطین خود آنچه را که در دل دارند عرضه

می کنند.» به گفته وی اصلاح طبلان در حاشیه امنی

که گروه ها، جناح ها و جریانات خودی برای ایشان

فرامه می سازند لانه می کنند یعنی اگر خودی ها

میدان ندهند آنان فرست حضور پیدا نمی کنند که

این نیاز از ویژگی دیگر این جریان می باشد» (آفتاب

بیانیه، شنبه ۲۸ آبان).

چندی پیش فرزند خزرعلی در یک مصاحبه با

پخش فارسی رادیوی «بی بی سی»، ضمن حمایت

از سعید امامی از او به عنوان «مرحوم امامی» یاد

کرد و حسین شریعت‌مقدمی از ادامه برنامه «هویت»

که خود او در تدارک و تهی آن قش اصلی را داشته

سخن گفت، روح الله حسینیان و فلاحیان از جنایت

کاران شناخته شده رژیم ولایت فقیه، قسمی از پرده

های جنایات خود و همکارانشان را بالا زده و به

جنایاتی که بزرگاندیشان روا داشته اند، صحنه می

گذارند. برخلاف تصویر، ایراد چنین سخنگانی کرد.

نیاید یک شاتراز تبلیغاتی صرف قلمداد کرد. تحریم

نشان داده است، حاکمان سرکوب گر برای حفظ و

نقای خود از هیچ جنایتی فرو گذار نیستند و با

توجهات اسلامی، آن را به مرحله اجرا در می آورند.

ادامه در صفحه بعد

علی خزرعلی، عضو شورای نگهبان رژیم ولایت

فقیه، در سخنرانی که به مناسب نیمه شبیان در

شهرستان خوی انجام داد، گفت: «از رئیس جمهور

گله دارم چرا که وقتی از ایشان پرسیده شد چرا

روزنامه مصاحبه نمی کنید، اظهار داشت «جون آنها

را بسته اند» وقتی رئیس جمهور چنین چیزی می

گوید، واقعه جای تعجب است. امیدوارم که ایشان

(رئیس جمهور) بازگردند و بگویند که سخنران

اشتباه بوده است چرا که به هر حال ایشان سید

هستند. وی در جایی دیگر از اظهاراتش گفت:

«اگر دین را در خطر دیدید، به زندان بروید، به زندان بروید،

بکشید، کشتن و کشته شدن را قبول کنید، اما پیام

دین را به همگان برسانید و از آن دفاع کنید.» وی

در سخنان خود تصریح کرد: «نمی گویم ترور خوب

است، اما مردم هم به جان آمده اند و حق دارند.

ضمیمه اینکه من امیدوارم تویستگان غافل نیز از

خوب بیدار شوند» (روزنامه همبستگی، سه شنبه

۲۴ آبان).

هر چند چنین شیوه بی از سخنرانی، و تهدید به

کشخار مخالفان، آنهم به صورت کاملاً آشکار، از

طرف سرکوب گران، برای مردم تازگی ندارد، اما

توجه به این سخنان و مطالب مشابه دیگری که از

طرق گوناگون به اطلاع مردم می رسد نشانگر این

نکته است که، عزم راسخ برای سرکوب و سد کردن

جنایاتی که بزرگاندیشان روا داشته اند، تصرف،

بلکه به دلیل حسینیات اوضاع، ضرورت کاربرد این

شیوه هر روز یک نزد آنها احساس می شود. مطمئناً

سخنرانی خزرعلی که در آن حتی رئیس جمهور هم مورد

اشارة قرار گرفته، نمی تواند بدون هماهنگی با دیگر

عوامل سرکوب ایجاد شده باشد. به گزارش همین

روزنامه (همبستگی در همان تاریخ) مصباح بزدی نیز

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی، و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

ادامه املأه شنی برای «کسن» و

سخنان خزعلی در مورد مطبوعات و تشویق به ترور و کشtar، نمی‌تواند چیزی جز تدارک سرکوبی باشد که اصلاح طلبان حکومتی را هم در بر می‌گیرد. تشویق به ترور از طرف یکی از اعضای بالاترین نهاد حکومتی چیزی جز اتساد راه‌های کوتی برای آنها نمی‌تواند باشد. حمله آشکار به رئیس جمهوری، پشتیبانی آشکار از سید امامی، صحنه‌گذاشتن بر اعمال جنایتکاران از طرف مزدوران ارتقای از جمله نشانه‌های تدارک تدربیجی زیمه سرکوب وسیع تر فعالان سیاسی است. این موضوع از آن رو بسیار حساس است که مسأله قتل هی زنجیره‌ای به رغم تمام تلاش سرکردگان عمدۀ ارتقای در سروش گذاشتن و مختمه اعلام کردن این پرونده به مهمترین حلقة در زنجیره داوری افکار عمومی پیرامون صلاحیت یا عدم صلاحیت نه تنها سرکردگان اصلی ارتقای بلکه کل رژیم «ولایت فقیه» تبدیل شده است. اخیراً حجاریان، در خبری که روزنامه «حیات نو»، یکنشیه ۲۹ آبان، منتشر کرده، گفتند: «علیرغم تمام اتفاقاتی که در چند سال گذشته روی داده است، هم ترین اتفاق بعد از دوم خرداد، قتل های زنجیره‌ای است.» وی در دنباله اظهار داشته: «ماشین ترور، به مثابه یک غده سرطانی، در مغز سلسه اعصاب نظام حضور داشته و کار می‌کرده است، البته موتور این ماشین قبل از دوم خرداد روش شده است و قریب‌ناتی گرفته بود، ولی ظاهرا کسانی که این ماشین را ساختند، فراموش کرده بودند که باید آن را خاموش کنند. شاید هم انتظار داشتند این ماشین بعد از دوم خرداد هیچنام به کار خود ادامه دهد و قربانی بیشتری بگیرد.»

«سلسله اعصاب نظام» دیگر احتیاج به توضیح چندانی ندارد، و وضعیتی که در آن این «سلسله اعصاب نظام» به چالش کشانده می‌شود، مطمئناً دامان تعدادی از حکومتیان را در بر می‌گیرد و این نکته ای است که بیشتر از همه خود جنایتکاران برآن وقوف کامل دارند. بنابراین طبیعی است که به عنوان تنها راه حل، شوه های ترور و کشtar از هر تریبونی یا عنوان «دفاع از کیان اسلام»، راهنمای عمل قرار بگیرد. اینکه آنها بتوانند به این مهم برسند را باید در توان و موقعیت جبشن مرمدمی دید. حزب توده ایران بدون اینکه بخواهد وضعیت کوتی و امکان ضریبه خوردن جدی را غیر ممکن ارزیابی کند، بر این باور است که توان جبشن هنوز در حد بسیار بالایی است. اما مشکل کوتی جبشن به دلیل نبود یک آتشناتیو مردمی و پیگیر، سازمان نیافتنگی و برنامه مشخص سیاسی - مبارزاتی برای هموار کردن راه اصلاحات در ایران و از پیش رو برداشتن سدهای «قانونی»، در مقابل اصلاحات است. ارتقای حاکم خوب می‌داند که ادامه روند اصلاحات و تقویت و گسترش جنیش مردمی روند بازگشت تاپذیری است است که پایه های حکومتی آنرا بتدریج ولی به شکل قاطعی سست می‌کند و هرچه بیشتر این روند ادامه پیدا کند، ابعاد خطر فزونی خواهد یافت، از همین راست که ما در هفته‌های اخیر شاهد تشدید روند حملات ارتقای بر ضد تبروهات اصلاح طلب و روند اصلاحات در ایران بوده ایم. تجربه سه سال گذشته و تجربیات پیش از دوم خرداد ۱۳۷۶ نشان داده است که برای مستبدان حاکم سرکوب و کشtar دگراندیشان یک اصل و شیوه پذیرفته شده اداره جامعه است که در صورت نیاز به آن حتماً مورد استفاده قرار خواهد گرفت. از این رو تهدیدات خزعلی، و دیگر کارگزاران استبداد را باید جدی گرفت، ارتقای با تزدیک شدن تاریخ انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۰، تحریکات جدی و وسیعی را بر ضد جبشن مردمی تدارک دیده است که مقابله با آن نیازمند هوشیاری، انسجام و اتحاد عمل همه نیروهای ملی، مترقبی و آزادی خواه است.

ادامه رویدادهای ایران

نامه ایضاً و تدوین اذان / سیاست (زیرینه در آذان) / ایضاً و تدوین اذان

به گزارش ایسا، سه شنبه ۲۴ آبان، اعضای فراکسیون نمایندگان مناطق کردنشین در مجلس شورای اسلامی با فرستادن نامه‌ای خطاب به رئیس سازمان اتحادیه اروپا، خواهان جلوگیری از عضویت کشور ترکیه در این سازمان، پیش از احقاق گام حقوق اقتیاد کرد ساکن در این کشور شدند. در نامه‌ی دیدگیر همین نمایندگان خطاب به محمد خاتمی، توجه وی به وضعیت مناطق آسیب دیده در جنگ تحمیلی، را خواستار شدند. در قسمتی از این نامه آمده است: «به گواهی تاریخ و به شهادت شاهنس های توسعه در بخش های گوناگون، این مناطق در زمان جنگ تحمیلی زیان ها و آسیب های فراوان دیده و بعد از پایان جنگ تحملی نیز، آن جهان که شایسته بود، اقدامات جبرانی نه تنها انجام نشد، بلکه باز هم مورد کم لطفی و کم توجهی قرار گرفت. بنابراین امروز سراسر مناطق نامبرده در آخرین رتبه های ره بندی استان های کشور از نظر توسعه قرار دارند. بیکاری جوانان بیدادی می کند و بیکاری به عنوان یک علم، به توسعه عفریت اعتماد و دیگر ناهمجاري های اجتماعی انجامیده است.»

بدون شک رشد بیکاری و به طبع آن ناهمجاري های اجتماعی نظری اعتماد که در نامه مذکور آمده است، تنها مختص و محدود به منطقه کردستان ایران نمی باشد و این موضوع در سطح وسیع در تمامی کشور، حاصل سیاست های رژیمی است که اساس آن بر مبنای تاراج و چپاول تروت های عمومی بنا نهاده است. اما اینکه این مسئله در مناطق همچون کردستان پیامدهایی به مراتب فاجعه بارتری را پیدا کرده است، باید رشم را در مسائل سیاسی دانست که در این نامه به آن اشاره ای ترقه است. نگاهی دوباره به نامه نمایندگان منزبور به رئیس اتحادیه اروپا، این حقیقت را که چنین سیاست هایی دقیقاً در این سوی مزد و در داخل ایران بر ضد مردم کرد روا می شود نمی توان کشمان کرد.

هر اس مرتعجان در تمامی مقاطعه از رشد تفکرات مترقبی که در تضاد کامل با منافع حکومت کنندگان بوده است، باعث گردیده مناطقی همچون کردستان به اتفاق بهانه ها از رشد اقتصادی مورد نیاز محروم بماند. چنین تبعیض های آشکار، طبعاً به ایجاد ناراضایتی های عمومی منجر می گردد که تبعات آن در مقاطعه زمانی مختلف را شاهد بوده ایم. رژیم با تردیدهای تبیانی که عمله ترین آنها عوامل خارجی خواندن توده های زحمتکش این مناطق می باشد، سرکوب های مدام خود را بر ضد این مناطق ادامه می دهد. به علاوه سایه نفوذ نیروهای مترقبی در میان هموطنان کرد، هر چند مانع از تحقق تمام برنامه ریزی های مرتعجان بر ضد مردم این مناطق گردیده، اما همین امر دلیلی دیگر افزایش فشارها شده است. اتهامات تجزیه طبلانه و اقلیت خواندن چندین میلیون از هموطنانمای توجه به اینکه ایران اصولاً از اقوام گوناگونی تشکیل شده است، هدفی به جز توجیهات سرکوب گرانه نمی تواند داشته باشد. به همین دلیل در مخالفت با محتواهی نامه نمایندگان که مشکلات منطقه هموطنان کرد را ناشی از «جنگ تحمیلی» می دانند، باید گفت مشکل در اتخاذ سیاست های اعمال شده می باشد.

دید غالب در بین سران رژیم ولايت فقیه، دیدی است سرکوب گرانه و انتظار اینکه با چند سفر و نامه نگاری بتوان به وضعیت اسف بار این مناطق سر و نامانی داد، فکری عصب و بیهوده است. وضعیت رقت بار این منطقه از کشور را «ایسا» از قول رحمن بهمنش نماینده مهاباد در مجلس در تاریخ ۲۵ آبان چنین گزارش داد: «آنچه به تعبیر ماموران قاچاق خوانده می شود، در واقع خرد و فروش سیگار، بلورجات و اقلامی از این دست است که مردم مناطق

کردنشین به ویژه جوانان از روی ناچاری بدان روی می آورند. مردم مناطق کردنشین به دلیل قدردان کارخانجات و ضعف بخش صنعتی در این مناطق به خرد و فروش اجنسان به صورت جزئی روی می آورند. در میان این خوده قاچاق چی ها جوانانی با مدارک دیلم، فوق دیلم و لیسانس دیده می شوند. این نشانگر عمر فاجعه بیکاری در منطقه است.»

آدرس ها: طفا در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2-B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
3. <http://www.tudehpartyiran.org>

Supplement to Nameh Mardom-NO 596
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

21 November 2000

شماره فاکس و
تلفن پیام گیر ما
۰۰-۳۹-۳۰-۳۲۲۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

نام: IRAN e.V.
شماره حساب: 790020580
کد بانک: 10050000
بانک: Berliner Sparkasse